

## مقام زن در میان پارسیان

ایرانیان قدیم همواره مقام و ارج مخصوص برای زنان خود قایل بودند . آن طور که دوتن از شاهزادگان زن، بنامهای پوران دخت و آذر میدخت و ارت تخت و تاج شاهی شده به مقام سلطنت هم رسیدند . عجیب نیست که پارسیان این صفت را از اجداد خود به ارث برده و همچون ایرانیان باستان برای زن ارج و ارزشی بسیار قایل هستند .

در دوره حکومت هندویان از وضع زنان رسماً اطلاعی در دست نیست و تنها جاییکه از زمان آن دوره یاد شده جنگ وریاوه است . باین ترتیب که بر سر پرداختن مالیات بین پارسیان وریاوه و راجه که راضی به پرداخت مالیات زیادی نبودند، چون پارسیان قوی و زورمند بودند راجه تنبور جرأت نداشت که آشکارا علم جنگ بلند کند و پیوسته منتظر فرصتی بود تا پارسیان را غافلگیر کرده آنها را شکست بدهد . روزی که مردان پارسی بمناسبت جشنی از شهر خارج شده بودند راجه تنبور وقت را غنیمت شمرده بر سر زنان شهر هجوم آورد ولیکن برخلاف انتظار او زنان شهر نه تنها تسلیم نشدند بلکه همگی چون مردان بمیدان جنگ روی آوردند و بسختی در مقابل دشمن مقاومت کردند . شك نیست که اغلب آنها در این جنگ شهید شدند سالی که این واقعه پیش آمد بعلم عدم وجود تاریخ مشخص معلوم نیست ، ولی از آن تاریخ تا کنون هر سال در بیست و پنجم فروردین جشنی به یاد بود جنگ وریاوه و شهادت زنان برگزار میشود .

از مطالعه این واقعه میتوان پی برد که اولاً زنان پارسی زنانی آزاده و هرگز تسلیم زور و اجبار نمی شدند و در مقابل آن سرسختی میکردند .

ولی از قوانین پارسی پنجایت که پس از دوره مغول برای آزادی زنان وضع کرد این نتیجه برمیآید که در دوره مغول زنان تا حدی آزادی خود را از دست داده بودند و اوضاع اجتماعی هندویان و مسلمانان تا حدودی اجتماع پارسیان را از این نظر تحت تأثیر قرار داده بود . ارزش زن در دوره مغول آنقدر پائین آمده که مردانی که به قصد تجارت از شهر خود خارج میشدند زن خوهر را همراه نبرده و بخود اجازه میدادند که زن دیگری در محل اقامت دوم بگیرند و از شکایت هائیکه زنان اول این مردان به پارسی پنجایت می بردند چنین برمیآید که این زنان دچار سختی و مضیقه شدید می شدند و چون نمی توانستند شغلی داشته باشند و خرج خود را در بیاورند بیچاره میماندند و دست بشکایت بلند میکردند .

از يك طرف زنان با این جور و خود خواهی مردان روبرو بودند و از طرف دیگر هر گونه حقوقی در مورد انتخاب همسر از آنها سلب شده بود و پدر و مادر بدون مشورت دختر اورا بمردی که خود انتخاب میکردند بشوهری میدادند و گاهی اتفاق می افتاد که نوزادان دختر را درسه یا چها ماهگی عقد میکردند در حالیکه هیچ يك از پدر و مادران نمی دانستند که در آینده چه پیش آمدهائی در انتظار فرزندان آنهاست و چه اتفاقاتی ممکن است در این مدت طولانی پیش بیاید و چون زن در این مورد از دوران کودکی بمنزل شوهر می رفت سربار شوهر و باعث زحمت مادر شوهر بود و این موجب میشد که اغلب بین مادر شوهر و عروس جنگ و نزاع باشد .

پیدا است که در این حال که زن سربار بحساب میامد و مزاحم خانواده شوهر محسوب میشد نمیتوانست انتظار تحصیل و سواد داشته باشد باید در نظر داشت که در هر موردی استثنا وجود دارد و بیشک زنانی از طبقه اشرافی بوده اند که موقعیتی غیر از این داشتند ولیکن در مورد اغلب زنان میشود گفت که وضع همین بوده است .

از رفتار بیرحمانه ای که با کلیه بیوه زنان هندی میشد زنان پارسی هم بی نصیب نمانده و بیوه زنان پارسی نیز مانند دیگر بیوه زنان هند دچار ظالمان بودند . ممکن بود يك بیوه پارسی از نظر اقتصادی فراغت پال داشته باشد ولی رفتار مردم با او چنان ناگوار و ظالمانه بود که با همه بی نیازی دچار خفقان میشد و از زندگی به تنگ میامد زیرا که مردم ار هر نظر بر او سخت میکردند . اولین محدودیتی که برای چنین زن قایل بودند این بود که او حق ندارد شرینگار (۱) بکند . و علاوه بر این حتی پوزنانی که در بچگی ازدواج میکردند و بمناسبتی در سالهای اول جوانی بیوه میشدند آنقدر سخت میکردند که نه تنها شرینگار را بر آنها حرام میکردند اجازه نمی دادند لباسهای رنگارنگ در بر کنند و در مواقع سرور و شادی از قبیل تولد بچه و نامزد و عروسی و سایر جشنها باینها اجازه شرکت نمیدادند . در مواردی که جشن و سروری در داخل خانواده پیش میامد و با بمناسبت ازدواج پسر یا دختری یا زن بیوه جشنی بر پا میشد و اطرافیان میخواستند نهایت لطف و مهربانی را نسبت به بیوه ابراز کنند با او اجازه میدادند که در گوشه ای بنشیند و ناظر شادی و سرور دیگران باشد .

در این ظلم و جور مردم این قدر زیاد روی کرده بودند که بیوه بودن را نوعی گناه میدانستند بطوریکه هر کس صبح چشمش اول بار به زن بیوه ای می افتاد این را بدین من و بدشگون میدانست . ولی با همه این احوال عجیب است که بیوه زنان در اجتماع به پاکی میزیستند و هر گز کسی در باره ایشان گمان بد نمی کرد و شاید دلیل این همه سختگیری مردم این بود که به اصطلاح علاج واقعه را قبل از وقوع کرده باشند و آزادی بیوه زنان در اجتماع و معاشرت با مردم سبب نشود که بخطائی بدنام شوند و نام پاکی و پرهیزگاری را لکه دار نمایند . مسلما بزرگان جامعه پارسی متوجه این ظلم و جور مردم نسبت به زنان بیوه و اصولا عدم

۱ - آرایش مخصوصی که دختران مجرد و زنان شوهر دار هندی میکنند و زنان بیوه حق چنین آرایشی را ندارند و از خصوصیات این آرایش گذاشتن خال خوشبختی در وسط پیشانی و بدست کردن النگوهای شیشه ای است که نشانه خوشبختی است .

رعایت حقوق زنان از طرف مردم بودند ولی دست ایشان نیز در انجام دادن هر گونه اقدامی کوتاه بود زیرا که حکومت در دست مغولان بود و آنها جز این برای زن چیزی قائل نبودند و وضع اجتماعی مسلمانان، هندویان را هم تحت تأثیر قرار داده بود و زنان این دو گروه که اکثریت جمعیت زنان را تشکیل میدادند با چنین وضعی زندگی میکردند. با این همه هرگز به اقلیت پارسی که از نظر حکومتی نیز اختیاری نداشتند اجازه داده نمیشد که برای زنان خود حقوقی غیر از سایر زنان هند قائل باشند و ناچار وضع زنان پارسی تاروی کار آمدن حکومت انگلیس بهمین منوال ماند و آننگاه که انگلیسیها حکومت را در دست گرفتند پارسی پنچایت از حاکم ویلیام هونبی (W. Hoonby) خواست که بدو اداره و مداخله مستقیم جامعه پارسی واگذار شود و بمحض موافقت با این درخواست پارسی پنچایت قوانین موکدی برای حفظ حقوق زنان پارسی صادر کرد. همانطور که ذکر شد پارسی پنچایت بمحض اینکه حق برقراری عدالت را در اجتماع پارسی بعهده گرفت چنین مقرر کرد که هیچ مردی حق ندارد چه در سفر چه در حضر زن دومی بگیرد و از آنجا که ترتیب این قانون از نظر حقوق زن در اجتماع پارسی قابل توجه و دقت است مناسب است که ترجمه متن انگلیسی آن بیان شود.

د ما اعضاء پنچایت که اینجا گرد هم آمده ایم امروز چنین تصمیم گرفتیم که هیچ مردی تا زمانی که زنش در قید حیات است حق ندارد زن دیگری را بعقد خود بیاورد و کسی که ناچار به ازدواج دوم شود باید دعوی خود را کتبا به اعضاء پارسی پنچایت مذکور تقدیم دارد که بعد اعضاء مذکور، شخصی را که خود صلاح میدانند برای رسیدگی به قضیه و شنیدن ادعای عین میکنند و این تقاضا باید علاوه بر خود مدعی مورد تصدیق همه مردم نیز باشد. و پنچایت کسانی را که از این تصمیم سرپیچی کنند بیکدیگر از مجازاتهایی که در زیر ذکر شده و درخور آنها باشد میرساند :

کسی که میخواهد زن خود را طلاق داده زن دیگری اختیار کند مطابق قانون فوق باید تقاضایش را به پارسی پنچایت تقدیم دارد و آننگاه پنچایت تشکیل میشود و در مورد درستی تقاضای او تحقیق میکنند و در صورتیکه زن بر طبق قوانین دینی بدعمل شناخته شود پنچایت از شوهر برای پرداخت نفقه (خُراج غُدا و لباس و مسکن) و مسترد کردن جواهرات زن و پرداخت مخارج بعد از مرگ در صورت مردن زن بمقداری که لازم داند ضمانت میگیرد و آننگاه با او اجازه میدهد که زن دیگری بگیرد.

ولی کسی که اختلاف جزئی با همسرش دارد حق ندارد بازن دیگری ازدواج کند و اگر بدون اجازه پنچایت بازنی ازدواج کند همانطوریکه بالا ذکر شد از اجتماع ماطرد خواهد شد.

بعلاوه هر مردی که از بمبئی خارج بشود در تانا (Thana) و کرنجا (Karanja) و شهر روده دیگری در حالیکه زن اولش در حیات است زن دومی بگیرد در موقع بازگشت بمبئی خود او را از جامعه طرد خواهند کرد.

بعلاوه اگر کسی با اجازه پارسی پنچایت بخواد بازن دومی ازدواج کند مراسم ازدواج چنین شخص اگر از دسته شهنشاهی باشد باید بتوسط خورشید جی (Khurtshedji) - (jamshedji) و یا بفرمان او و بوسیله موبدان تحت نظر او انجام پذیرد و اگر

قدیمی باشد توسط دستور ملافیروز یا فرمان او و بتوسط موبدان تحت نظرش بر گزار شود. در صورتیکه هر موبد دیگری این کار را انجام دهد آن ازدواج مورد قبول پنجایت نخواهد بود و پنجایت نه باین موبدان گناهکار اجازه ورود بآتشکده را میدهد و نه بمردم اجازه میدهد که ایشان را بکاری بگیرند و یادر موقع جشنها و بر گزاری مراسم تشییع جنازه پولی بایشان بپردازند و هر کس خلاف قوانین بالا عمل کند او نیز از طرف پنجایت بمجازاتهای مقرر میکند خواهد رسید.

آنکسی هم که در مراسم ازدواج مردی که بدون اجازه پنجایت برای دومین بار ازدواج میکند شرکت بنماید بوسیله پاری پنجایت مجازات میشود و بعلاوه مردی که صاحب فرزندی نشده و زنش دوران یا نسکی را پشت سر نگذاشته حق ندارد بازن دومی ازدواج کند حتی اگر قبول بدهد که زن اول خود را همچنان نگهداری نماید و حتی اگر زن اول باین ازدواج دوم رضایت بدهد. از طریق دیگر آن مرد هم حق ندارد بزنی خود اجازه بدهد که شوهر دیگری اختیار کند و پنجایت هیچگونه نوشته‌ای را از طرفین برای فسخ قرارداد ازدواج نمیپذیرد و باین وسیله اجازه نمیدهد که مرد یا زن همسر دیگر انتخاب کند و هر کس که بدون اجازه پنجایت دست بچنین کاری بزند از جامعه طرد خواهد شد.

این اولین قدم در راه احقاق حقوق زنان پاری بود ولی روز بروز این حق بیشتر و بیشتر میشد بطوریکه سه سال بعد از این تاریخ، در ۸ مارس ۱۷۹۴ پاری پنجایت اعلانی باین مضمون در مورد حق آزادی زنان منتشر کرد:

زنی که شوهرش بمدت ده سال از او دور باشد و خبری از خود نداده حق دارد با اجازه پاری پنجایت شوهر دیگری اختیار نماید.

البته باین شرط که پاری پنجایت پس از تقاضای زن از طرف خود اخطاریه‌ای بشوهر آن زن مینویسد و از طرف خانواده زن نیز اخطاریه‌ای بمرد نوشته میشود که در صورت نرسیدن خبری از شوهر زنش بمقد ازدواج دیگری در خواهد آمد.

این قوانین تنها بر کاغذ نوشته نشده بود بلکه شدیداً بآن عمل میشد و مثلاً در ۲۵ آکتبر ۱۸۳۰ میلادی مردی بنام دوپاش (Doobash) بخيال اینکه این قانون پس از ۴۰ سال از اهمیت و اعتبار افتاده و اگر او زن دومی بگیرد کسی معترض او نخواهد شد زن دومی را عقد کرد و برخلاف انتظارش آن مرد وزن دومش و پدرش را که با او همکاری کرده بود و همچنین موبدانی را که در اجرای مراسم ازدواج همکاری کرده بودند همگی را از اجتماع پاری طرد کردند.

قوانینی نیز در محدودیت اختیارات زنان وضع شده بود تا اصلاً زنی با گناه خود اجتماع پاری را لکه دار نسازد پاری پنجایت شکایت برده بودند که زنان پاری با اعتقادات و خرافات مذاهب دیگر هند روی آورده و به بسیاری از عقاید خرافی آنها عمل میکنند و چون پاری پنجایت معتقد بود که زنان همواره از نظر مقام مادری کار مهمی در سر نوشت و فرهنگ نسل آینده دارند و پیروی آنها از این عقاید خرافی بعداً موجب سستی ایمان و گمراهی کودکان ایشان میشود باین جهت طبق قانونی که در سال ۱۸۱۹ وضع کرد ورود بمعابد هند و رفتن نزد دعا نویسه‌های

بقیه از صفحه ۲۸

مسلمان و انجام دادن هر گونه عملی برخلاف اعتقادات دین زرتشتی را بر زنان پارسی رسماً منع کردند و کسی را که از این قانون سرپیچی میکرد مستوجب مجازات میدانست. در همان موقع پیاری پنچایت شکایت رسید که زنان بعد از مغرب آفتاب هم تنها در خارج از منزل میمانند و هر چند عمل خلافی انجام نمیدهند ولی همین بیرون ماندن آنها در نظر اخلاق و شرافت جامعه پارسی صحیح نیست و پیاری پنچایت در همان سال ۱۸۱۹ قانون دیگری گذراند که هیچ زن نمی بایست بعد از مغرب و قبل از بامداد از منزل خارج شود و اگر در موارد بخصوصی از قبیل جشن یا میهمانی و یا کارهای فوری زن مجبور شود در این اوقات از منزل خارج شود باید یکی از مردان خانه خود یا نوکرش را همراه ببرد و همچنین چراغی در دست خود نیز داشته باشد.

برای نظارت در اجرای این قانون چند نفر نعلش سالار را موظف کرده بودند که پس از مغرب تا قبل از بامداد در خیابانها و گوشه و کنار شهر مواظب باشند و اگر زن پارسی را تنها یافتند او را گرفته در نعلش خانه حبس کنند و تاریخ پارسی پنچایت نشان میدهد که این حکم در چند مورد درباره زنان اجرا شده بود.

نکته قابل توجه؛ نوع مجازات برای زنان در آن زمان است. پارسی پنچایت هرگز اجازه نمیداد که زنان راحتی بعنوان مجازات در کوچه و خیابان سرگردان کنند زیرا که در آن زمان در میان غیر پارسیان رسم بر این بود که زنان خطاکار و گناهکار را از خانه بیرون میکردند و نه تنها کسی بسراغ آنها نمیرفت و اطلاعی از آنها نمیکرفت بلکه باذیت آنها میپرداختند و از دادن شغل و کار هم با ایشان خودداری میکردند و آن سبب میشد که چنین زنانی برای ادامه زندگی بدامن فحشاء پناه میبردند. پارسی پنچایت از آنجا که بهیچوجه نمیخواست امثال این زنان در اجتماع پارسی وجود داشته باشند بجای اینکه دستور دهد زن بدکار را از خانه بیرون کنند امر نمود که او را در خانه نگهدارند و شوهرش نیز این اجازه را میداد که زن دیگری بگیرد و البته شوهر طبق قانونی که در پیش آمد، نفقه او را میپرداخت ولی مقام کدبانوی آن خانه از آن زن بدکار سلب میشد و همچون کنیز و خدمتکار در آن خانه میزیست.

مجازات دیگری که برای چنین زنانی تعیین شده بود، زشت کردن این زنان بود. باین ترتیب که موی ایشان را از ته میتراشیدند تا نتوانند از منزل خارج شوند. حتی زنی را که از خانه میگریخت، پیدا میکردند و بخانه میآوردند و بنر می یا بزور از او میخواستند که در خانه شوهرش بماند.

هر چه نفوذ اجتماع انگلیس در هند زیادتر میشد ارج و ارزش زنان نیز بهمان نسبت بالا میرفت. پارسیان با معاشرت و تماس نزدیکی با انگلیسیها و دیدن موفقیت و اهمیت زنان انگلیس در اجتماع متوجه شدند که تا چه حد احترام به زن و رعایت حقوق او و باسواد شدن زن در پیشرفت و ترقی يك اجتماع مؤثر است و شروع به اقداماتی در این زمینه کردند و در حقیقت رنسانسی را بوجود آوردند که شرح مفصل آن در فصل قبل آمد.

باسواد شدن زنان تنها بخواندن و نوشتن پایان نپذیرفت بلکه رواج تحصیل در بین زنان و اشتیاقی که ایشان به خواندن و نوشتن داشتند موجب بروز بسیاری از تغییرات در

وضع زندگی و اجتماعی زنان شد. باین ترتیب که ازدواج در سنین کودکی که سدی بر سر راه تحصیل بود در نیمه دوم قرن نوزدهم بکلی منسوخ شد و در این تحول زنان و مردان هر دو دست داشتند زیرا، از یکطرف زنان بشوق تحصیل و بعلمت فهم بیشتر راهی بشوهر کردن در سنین کودکی نداشتند و از طرف دیگر مردان ترجیح میدادند زن باسواد داشته باشند و این خود تشویق دیگری بود برای دختران که حتماً به تحصیل پردازند.

همچنین سواد تأثیر زیادی در اوضاع زنان بیوه کرد: سواد بمردم این نکته را فهمانید که بیوه شدن در حقیقت گناه زن نیست بلکه يك پيش آمد است و در نتیجه همین دانائی بود که مردم نسبت به زنان بیوه، شیوه رحم پیش گرفتند تا آن درجه که بعضی اوقات اظهار نظر میکردند که زنان بیوه ای که در جوانی بیوه شده اند بتوانند شوهر کنند. در اواخر قرن نوزدهم نمونه های زیادی از مردان بودند که اکنون هم زنده اند و پانهایت رغبت و خوشحالی زنان بیوه را به همسری انتخاب میکردند.

در مورد وضع مالی زنان بیوه نیز تغییرات زیادی داده شد و پاری پنچایت کارهای مهمی در این باره انجام داد. مثلاً آن دسته از زنان بیوه که خود راضی به شوهر کردن نبودند و از طرف دیگر پدر و مادرشان هم چون مزاحم و سر بار با آنها رفتار میکردند و آنها را مجبور بشوهر کردن مینمودند به پاری پنچایت شکایت میبردند. در نتیجه پاری پنچایت چندین ساختمان در اختیار اینگونه زنان گذاشت تا با خیال راحت در آن زندگی کنند و برای زنان بیوه ای که میتوانند شغلی بگیرند و کاری انجام بدهند پاری پنچایت وسایلی فراهم میکرد تا آنها بتوانند مخارج خود را شخصاً تأمین کنند و در نتیجه همین تغییرات و تحولات و تجدید حیات است که امروز زن پاری از هر نظر زنی قابل، پارآمده است.

امروز زن پاری گذشته از انجام وظایف مادری و همسری در مسائل اقتصادی نیز همکار و کمک شوهر خود میباشد و از حقوق مساوی با مردان برخوردار است، جز در این مورد که اگر مردی زنی غیر زرتشتی را به همسری بگیرد چون آن مرد نام پدرش نیز همراه با نام خود او ذکر میشود با آنکه زنی غیر زرتشتی است خود او زرتشتی بحساب میآید ولی اگر زن پاری به ازدواج مردی غیر زرتشتی در بیاید چون با اسم شوهر شهرت دارد دیگر زرتشتی نیست و به همین ترتیب بچه های مردی که با زن غیر زرتشتی ازدواج کرده به قید و شرط زرتشتی بحساب میآیند: یکی اینکه مادر آنها در مورد زرتشتی شدن فرد فرد آنها راضی باشد. در ثانی يك يك آنها را قبل از دو سالگی سدره پوشی بکنند ولی بچه های زن پاری که با يك غير زرتشتی ازدواج کرده باشند بهیچ وجه زرتشتی بحساب نمی آیند.

از برکت این همه نظم و ترتیب و قانون است که زنان پاری در زمینه های مختلف فعالیت های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نام نیکی از خود به یادگار گذاشته اند و از این جمله هستند بیخائیجی کاما که برای استقلال هند بر علیه انگلیسی ها شجاعانه قیام کرد و افتخار اولین سازنده پرچم ملی هند را پیدا کرد و حشت عجیبی در میان انگلیسها ایجاد کرده بود.